

# متحدان واقعی کُرد کیانند؟

- پیرامون بیانیه کاک عبدالله مهتدی تحت عنوان «کردها و جنبش سبز» -

## فرخ معانی

اخیرا کاک عبدالله مهتدی طی نشر بیانیه‌ای تحت عنوان «کردها و جنبش سبز» تلاش نموده از یک سو توجه بقول ایشان رهبران و شخصیت‌های سیاسی «جنبش سبز» را به کردستان جلب کند و از سوی دیگر تلاشی دوباره برای فعال کردن و به خیابان آوردن جوانان کردستان نماید. کاک عبدالله با اشاره به نکاتی درست و قابل دفاع در مورد مقاومت ۳۰ ساله مردم کردستان در مقابل زورگویی جمهوری اسلامی، و طرح خواسته‌های برحق تلاش می‌کند ملت کرد را با رهبران «جنبش سبز» آشتی داده و از این عقد نامیمون «دمکراسی» را خلق نماید.

خیزش مردم ایران که در پی تقلب در انتخابات ریاست جمهوری آغاز گردید، از ۳ طیف تشکیل شده که عبارتند از:

۱. گروهی از متصدیان اصلی جمهوری اسلامی که در چند سال گذشته متوجه شده‌اند سپاه پاسداران و گرایش اصول‌گرا بیش از پیش اهرمهای اقتصادی و سیاسی جامعه را در دست گرفته و ایشان (اصلاح‌طلبان) را به حاشیه رانده است. اگر چه در میان این گروه افرادی هستند که با اندیشه‌های ۳۰ سال پیش خود فاصله گرفته و خود را با بعضی از بنیادهای فکری نظام در تعارض می‌بینند، اما هنوز کلیت نظام اسلامی را زیر سوال نبرده و حتی تلاش دارند با برخی اصلاحات نظام را از فروپاشی نجات دهند.
۲. قشر روشنفکر، دانشجو و جوانانی که از ابتدائی‌ترین حقوق شهروندی برخوردار نبوده و احساس می‌کنند در یک زندان بزرگ برای همیشه زندانی شده‌اند. اکثریت این قشر از مخالفان نظام هستند و برای استقرار دمکراسی و حکومتی سکولار مبارزه می‌کنند. در این قشر که وسیعترین طیف جنبش حاضر را تشکیل می‌دهند، گرایش‌های فکری متفاوت وجود دارد.
۳. طیف سوم این جنبش که در حال حاضر با تمام توان مبارزاتی خود وارد عرصه نشده است، کارگران و زحمتکشان جامعه هستند.

احزاب سیاسی جامعه ایران اعم از کردستانی یا ایرانی بر پایه تحلیل خود از شرایط موجود تلاش دارند با یکی از طرف‌های درگیر در این خیزش کنار آمده و در پیروزی محتمل آنها در آینده در کنارشان باشند. تحلیل برخی از احزاب این است که جناح مسلط در حکومت دیر یا زود خیزش را سرکوب خواهد کرد و حال که از نظر آنها شرایط چنین است، یعنی حاکمیت به زعم آنها سرنگون نخواهد شد، پیشنهاد مذاکره می‌دهند؟

کاک عبدالله نیز در این بیانیه متحد سیاسی خود را به جامعه کردستان معرفی کرده و از مردم می‌خواهد به رهبران جنبش سبز بپیوندند. ایشان تلاش دارند زخم ۳۰ ساله مردم را با این کلمات که

«مردم کردستان خواهان حقوق و مزیت‌های ویژه‌ای برای خود نیستند، خواهان جدائی از ایران نیستند، خواسته‌هایی ندارند که از چهارچوب متعارف نظام‌های دموکراتیک معاصر و موازین شناخته شده حقوق بشر بیرون باشد. انتظار بحق مردم کردستان از رهبران و شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی تأثیرگذار جنبش سبز و از فعالان و کوشندگان عملی جنبش این است که خواسته‌های مردم کردستان را مورد تأیید و پشتیبانی قرار دهند و به این وسیله در رفع نگرانی‌های مردم کردستان، که چندان هم ناموجه نیست، به سهم خود بکوشند».

التیام بخشند. اگر رهبران جنبش سبز از سر لطف و بخشش خواسته‌های ملت کرد را مورد توجه قرار دادند آنگاه به زعم کاک عبدالله «نسل جوان امروز کردستان با اعتقاد و اعتماد کامل به مبارزه سیاسی و مدنی مردمی آماده است که دست در دست شما برای آزادی مشترکمان بیکار نکند. بیایید همدیگر را بهتر درک کنید تا دست‌های اتحاد جوانان ما در سراسر ایران برای آزادی و بهروزی بیش از پیش به هم تنیده شود».

کاک عبدالله از این تفکر که ملت کرد برای دستیابی به حقوق خود نیازی به مبارزه برای سرنگونی این نظام ندارد پیروی می‌کند. ایشان در این بیانیه تلاش دارد به خواننده القاء کند که خواسته‌های مطرح شده از طرف جمع‌ها و نهادهای متفاوت و خواسته‌های خود ایشان در چهارچوب این نظام به شرطی که رهبران جنبش سبز به حکومت برسند امکان پذیر است. ایشان امکان تغییر در این رژیم را محتمل می‌بیند و احتمال رسیدن به خواسته‌های از قبیل «متوقف کردن اعدام‌ها و خشونت‌ها، آزادی کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی، آزادی بیان و تجمعات و احزاب» را در همین نظام امکان‌پذیر می‌داند. بر خلاف شعارهای رایج در همین جنبش صحبتی بر سر برچیدن نظام نیست!؟

کاک عبدالله بدرستی یکی از دلایل عدم شرکت فعال کردها در جنبش اخیر را بی اعتمادی به رهبران جنبش سبز می‌داند. اما برخلاف ملت کرد که دیگر به حکومت اسلامی در هر رنگ و لباسی اعتماد ندارند، به صرف اینکه رهبران جنبش سبز خواستهای مردم کرد را مورد تأیید قرار دهند اعتماد می‌کند و حاضر است نظامی اسلامی، اما به رهبری موسوی و امثالهم را بپذیرد!؟

متحدان واقعی ملت کرد برای سرنگونی نظام دینی تنها آن طیف از اقشار و طبقاتی هستند که کلیت این نظام را به زیر سوال می‌برند، کارگران و زحمتکشانی هستند که تحت استثمار قرون وسطائی این رژیم قرار دارند، دانشجویان، روشنفکران و جوانانی هستند که برای بدست آوردن آزادی سینه سپر کرده و وحشیانه‌ترین و حقارت‌بارترین شکنجه‌ها را متحمل می‌شوند. ملت کرد خوب می‌داند از این امامزاده‌ها شفائی حاصل نیست، چرا که اینان نه برای حق ملت، بلکه برای سهم شدن در قدرت با نظام درگیر هستند. اما با احاطه بر تغییر و تحولاتی که بر سر اندیشه طیف اصلاح‌طلبان آمده، باید گفت که ناجیان مردم ایران برای دستیابی به دموکراسی و حقوق اولیه خود اینان نیستند.

۳۰ ژانویه ۲۰۱۰